

یکشنبه **• ۱۹ بهمن ۱۳۹۳** • سال دوازدهم **•** شماره ۲۲۳۲ **• ۹**

روزنامه جهان	
نجات زمین در گروی یک جامعه عادلانه است	صفحه ۱۰
تبار تاریخی روشنفکری دینی	صفحه ۱۰
بامن از ترس بگو	صفحه ۱۲

نگاه
منطقه حائل وییگانگی بین حماس ومصر عدنان ابوعامر · مترجم: آزاد حاجی‌آقایی

در برهه‌ای که حماس به بهبود مناسبات با قاهره باور دارد، نواحی مرزی بین رفح و صحرای سینا شاهد تحرکات میدانی ارتش مصر است و منطقه حائل مرزی بین غزه و مصر در نزدیکی شهر رفح به وسعتی حدود یک‌کیلومتر رسیده و انتظار می‌رود که به وسعتی بالغ‌بر پنج‌کیلومتر نیز برسد. مصر ادعا می‌کند مرز مشترک با نوار غزه را بهتر از قبل کنترل خواهد کرد و نمی‌گذارد از تونل‌ها برای انتقال اسلحه با نفوذ شبه‌نظامیان مسلح استفاده شود. بنابراین ارتش مصر با استفاده از ابزار نظامی خود خانه‌های بیشتری را تخریب و خندق‌های عمیق‌تری را در تمامی طول مرز ایجاد می‌کند. جالب است که حماس برای دامن‌زدن به تنش که پیش‌تر میان این سازمان و قاهره وجود داشت، هیچ‌واکنشی به گسترش منطقه حائل توسط مصر نشان نمی‌دهد. شاید این عدم‌واکنش، برای ادامه صلح بین دوطرف صورت گرفته باشد، اما حماس مطمئن است قاهره کاری در راستای بهبود مناسبات بین دوطرف نمی‌کند و حتی به تنش‌ها نیز دامن می‌زند. پیش از این سخنگوی حماس گفته بود: «این سازمان معتقد است تصمیم گسترش منطقه حائل با مناسبات اخیر بین غزه و مصر در تضاد است؛ ارتباطی که بر رابطه و تعامل بین دوطرف استوار شده است.»

این سازمان معتقد است این تصمیم در راستای کمک به اجرای سیاست‌های منطقه‌ای و بین‌المللی‌ای صورت‌گرفته که علیه مردم فلسطین وضع شده‌اند و درنهایت رنج و درد فلسطینی‌ها را تشدید می‌کنند. به‌گفته این سازمان، این اقدام خدمت رایگانی است که قاهره با هزینه کردن منافع ملت فلسطین و ثبات غزه و در راستای منافع منطقه‌ای و امنیت اسرائیل انجام می‌دهد.

اگرچه مصر در اتخاذ سیاست‌های متناسب در درون مرزهای خود آزاد است، اما گسترش منطقه حائل پیام آشکاری از سوی قاهره به



غزه است که تنش بین طرفین هنوز ادامه دارد و هیچ‌نیتی از سوی طرف مصری برای بهبود مناسبات با حماس در آینده نزدیک وجود ندارد؛ روندی که به تداوم بیگانگی حماس از قاهره منجر می‌شود.

درمقابل واکنش رهبران حماس، منعکس‌کننده نظرات متفاوت‌شان در برخورد با مصری‌هایی است که فلسطینی‌ها آنان را خواهر بزرگتر می‌نامیدند. آنها بر این باورند که مصر مرحله کودتا را پشت سر نهاده است و احزاب منطقه‌ای و بین‌المللی به‌طورطبیعی با مصر تعامل می‌کنند. علاوه بر این، ژنرال «عبدالفتاح السیسی»، رئیس جمهوری مصر، به‌ویژه بعد از مصالحه با قطر، به رئیس جمهوری شناخته‌شده تبدیل شده است. این در حالی است که برخی از حلقه‌های درون حماس، این عمل را به‌عنوان فراقوانی برای توافق با وضع موجود در مصر قلمداد می‌کنند. از سوی دیگر، عده‌ای نیز بر این باورند که تصمیم مصر برای گسترش منطقه حائل، بسط سیاست اسرائیل مبنی‌بر محاصره غزه است و در راستای جلوگیری از تأمین کمبود سلاح، مویشک و مهمات نظامی توسط حماس صورت گرفته است. از این‌رو آنها بر این نکته تأکید می‌کنندکه حماس باید با این تصمیم مصر مقابله کند و دربرابر چنین اقداماتی سکوت نکند. همچنین گسترش منطقه حائل به قطع ارتباط بین شبکه‌های قاچاق در دوسوی رفح نیز منجر می‌شود. با وجود این واقعیت، اگر این سیاست شکست بخورد یا موفق شود، تاجران اسلحه در منطقه حائل با چالش‌های امنیتی بی‌سابقه‌ای مواجه می‌شوند. آنان نمی‌دانند چگونه باید با نتایج این سیاست مقابله کنند.

اگرچه حماس تلاش می‌کند تا تأثیر گسترش منطقه حائل بر نواحی‌های نظامی‌اش را تقلیل دهد – چراکه مقاومت خود دارای امکاناتی است که با حماس اجازه می‌دهد تا بدون وابستگی خارجی سلاح‌هایش را تهیه کند– اما محدودکردن قابلیت نظامی حماس، درحقیقت هدیه‌ای برای اسرائیل به‌شمار می‌رود. درهمین‌حال، سلاح‌هایی که اخیرا به‌دست جنبش مقاومت رسیده است، حماس را قادر می‌کند تا منطقه‌ای از اسرائیل را از غزه هدف قرار دهد. هدف حماس از اعلام چنین خبری تقویت روحیه اعضای این جنبش است که به‌دلیل تخریب تونل‌ها در مرزهای مصر با مشکلات بی‌شماری روبه‌رو شده‌اند.

درنهایت حماس به خوبی می‌داند که تصمیم مصر برای توسعه و گسترش منطقه حائل صرفاً مساله‌ای سیاسی است، حتی اگر اعلام این خبر از طرق نظامی صورت گرفته باشد. از سوی دیگر، کلید جادویی برای توقف اقدامات مصر در مرز غزه نیز غیرنظامی است و می‌توان با رسیدن به توافقی بین حماس و مصر، این مهم دست یافت، اما به نظر نمی‌رسد که هیچ‌کدام از طرفین در این برهه زمانی به چنین درکی رسیده باشند، زیرا تحقق چنین امری، فداکاری دوطرف را می‌طلبد. پس تا زمان دستیابی به چنین درکی، مرز غزه با مصر، به‌عنوان کانون تنش‌های بین حماس و قاهره، نقشی‌کلیدی را بازی می‌کند.

یکشنبه **• ۱۹ بهمن ۱۳۹۳** • سال دوازدهم **•** شماره ۲۲۳۲ **• ۹**

روزنامه جهان	
نجات زمین در گروی یک جامعه عادلانه است	صفحه ۱۰
تبار تاریخی روشنفکری دینی	صفحه ۱۰
بامن از ترس بگو	صفحه ۱۲

یادداشت
بازی هاوانا با اصلاحات سیاسی اقتصادی ● «سیاستمدار باهوش، کسی است

که زمان درست بلندشدن از سر میز بازی سیاست را بدانند؛ نه یک‌لحظه زودتر، نه یک‌لحظه دیرتر» این سخنان رهبری است که در سال ۲۰۰۶میلادی، بیماری‌های جدی‌اش باعث شد تا به این بیندیشد که نقش جهانی‌اش رو به افول است و باید قدرت را به شخص دیگری واگذار کند؛ در این زمان «فیدل کاسترو» رهبر کوبا، بیش از نیم‌قرن بود که به‌تنهایی هدایت کوبا را در اختیار داشت. در دوران او، کمترکسی به محدودشدن تبعیت این گروه رادیکال از آموزه‌های ارزشی بود، یعنی با تولید یک هویت کلی و جمعی (مانند مذهب) طی یک فرآیند تعاملی، فرد هویت شخصی خود را وارد هویت جمعی می‌کند. پس ملت، تحصیلات یا عقاید پیشین آنان دیگر دارای اهمیت نیست و آنچه مهم است، هویت جدید و ارزش‌های نوینی است که در یک گروه زنده شده است. پس الگوی ارزش‌محور به‌خوبی پاسخگوی مطالبات هویتی داعش بوده است و بی‌شک ادامه خواهد یافت.

رائول از زمان دردت‌گرفتن قدرت تاکنون بسیاری از اهداف بنیادی انقلاب را نادیده گرفته است. او با تأکید بر اینکه تغییر مدل کوبایی برای تکمیل سوسیالیسم است نه حذف آن، مشخص کرد که طرح‌های دولتی همچنان در اولویت هستند ولی به بازار نقش بیشتری داده می‌شود. از همین‌رو، کنگره کوبا اصلاحات اقتصادی را برای نجات زندگی ۱۱میلیون کوبایی که از نبود تولیدات داخلی و کمبود مبادلات خارجی رنج می‌برند، تصویب کرد. در این زمان حدود یک‌میلیون کارگر از بدنه دولتی خارج شدند و به مشاغل کوچک روی آوردند.

از سوی دیگر، سران هاوانا به‌خوبی به این مساله پی برده‌اند که برای پیشبرد برنامه‌های اقتصادی باید اصلاحات سیاسی را نیز اجرا کنند. اگرچه کوبا همچنان به‌عنوان کشوری کمونیستی و بدون رسانه‌های آزاد شناخته می‌شود اما تحت حکومت رائل، به کوبایی‌ها اجازه داده شد که با وجود گرانی بیش‌ازحد، موبایل و کامپیوتر شخصی داشته باشند؛ دسترسی به اینترنت آسان‌تر شد و بیش از ۹۰ زندانی سیاسی آزاد شدند ولی این رفعمحدودیت‌ها پاسخگوی رشد جامعه نیست. در چنین شرایطی و در حالی که هنوز بسیاری از کوبایی‌های مسن به کاستروها احترام می‌گذارند و معتقدند آنان باعث بقای کشورشان شده‌اند، اما جوانان این کشور نمی‌توانند سیاست‌های آنان را بپذیرند و بی‌قرار تغییرات بنیادی هستند. جو کوبا در کوبا خواهان فضای باز سیاسی هستند اما پیژرتها معتقدند که مشکلات اقتصادی در اولویت هستند. در این میان دولت هاوانا به رهبری رائل از شکاف بین نسل کنونی و انقلابی به‌خوبی آگاه است و سعی می‌کند که با وعده اصلاحات اقتصادی مردم انقلابی را راضی نگه دارد و در کنار آن فضا را برای جوانان آماده کند

و اگر این رویکرد مورد پذیرش قرار گیرد، ساختارهای کهنه و میراث سنتی کاسترو شکسته خواهد شد و فضای جدید قطعا تجربه‌ای نو را برکوبا حاکم خواهد کرد؛ رویکردی که به مدل کثرت‌گرایانه بلورالستی بیشتر شبیه است با تفاوت اینکه مدام سرمایه‌داری را نقدی کند. در فرض دیگر، اگر این رویکرد ناموفق شود، آن‌گاه حزب کمونیست کوبا مجبور به اتخاذ رویکردهای مختلط در توسعه خواهد شد که آن نیز هیچ نسبت و سختی با آرمان اولیه کاسترو نخواهد داشت.



عکس: world tribun

سرزمین مشخص و مطالبات ژئوپلیتیک هستند. همچنین با تولید معانی مشترک میان کسانی که در ظاهر امر اشتراکی ندارند، قصد تبدیل هویت فردی به هویت جمعی را دارند. از آغاز فعالیت داعش در کنار اعضای عراقی و سوری و دیگر عرب‌زبانان، شاهد جذب نیروهایی به این گروه بودیم که از کشورهایی همچون کانادا، انگلیس، آلمان و فرانسه آمده بودند و بعضاً مشاغلی همچون وکالت، خوانندگی رپ و پزشکی نیز در بین آنان به چشم می‌خورد؛ این اتفاق محصول تبعیت این گروه رادیکال از آموزه‌های ارزشی بود، یعنی با تولید یک هویت کلی و جمعی (مانند مذهب) طی یک فرآیند تعاملی، فرد هویت شخصی خود را وارد هویت جمعی می‌کند. پس ملت، تحصیلات یا عقاید پیشین آنان دیگر دارای اهمیت نیست و آنچه مهم است، هویت جدید و ارزش‌های نوینی است که در یک گروه زنده شده است. پس الگوی ارزش‌محور به‌خوبی پاسخگوی مطالبات هویتی داعش بوده است و بی‌شک ادامه خواهد یافت.

اقبال داعش در ناسازگاری بازیکران منطقه‌ای
موازنه امنیتی منطقه از دیگر الزامات موردنظر بازیکران بین‌المللی در خاورمیانه است که ربط مستقیم به اقدامات داعش پیدا می‌کند. از آنجا که جهت فعالیت‌های تخریبی و خشونت‌بار داعش به‌طور مستقیم به سمت مخالفان ایدئولوژی تکفیری است، نوعی مقابله‌جویی دوطرفه میان این گروه و دولت‌ها و ملت‌های مختلف در منطقه شکل می‌گیرد. این رویکرد موجب ایجاد ناامنی در کشورها شده که به‌دنبال آن دولت‌های مربوطه مجبور به صرف انرژی، هزینه‌های اقتصادی و نیروی انسانی هستند. همین امر موجب می‌شود تا از قدرت‌گیری بعضی بازیگران جلوگیری شود. به زبان ساده‌تر درگیری‌های فرقه‌ای، قومی یا مذهبی، به‌دلیل ایجاد مانع بر سر یکپارچه‌سازی یک جمعیت مشخص، از وحدت میان دو یا چنددولت جلوگیری به عمل می‌آورد. این امر نکته مثبتی هم برای داعش و هم قدرت‌های منطقه‌ای به حساب می‌آید؛ قدرت‌هایی که وحدت بازیگران منطقه‌ای در خاورمیانه می‌تواند به عدم حضور آنها در منطقه منجر شود، یعنی اگر این پیش‌فرض را بپذیریم که همه دولت‌ها به‌تنهایی قادر به برقراری و حفظ امنیت در منطقه هستند، دیگر چه نیازی به حضور و ظهور قدرت‌های فرمانطقه‌ای و یاری‌رسانی آنان است؟

در این میان، داعش شاهد قدرت‌مندی بر این ادعاست که بخش اعظمی از دولت‌ها توان مقابله با پدیده تروریسم را به‌تنهایی در خود نمی‌بینند و همکاری با بازیگران بیرون منطقه، در چنین شرایطی ضروری به نظر می‌رسد. همچنین عدم همکاری همه اعضای منطقه را نیز باید به تصویری که از آینده داعش ترسیم می‌کنیم، ربط داد. اینکه تمامی دولت‌ها در منطقه همکاری متقابل و سازنده‌ای را در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی و ایدئولوژیک با هم ندارند، امری ناخوشایند، اما واقعیتی آشکار است که می‌تواند بر قدرت‌افزایی داعش بیفزاید. برای نمونه رقابت‌های تنش‌زایی که بر سر نفت و اتفاقات درون اوپک میان کشورهای عضو وجود دارد، یا منازعات ژئواستراتژیکی‌ای که کشورهای منطقه سال‌هاست بر سر آن جدل‌های سرزمینی داشته‌اند، مانع کنار هم قرارگرفتن مسالمت‌جویانه این کشورها خواهد شد. چراکه خطر داعش برای همه کشورها وجود دارد و تنها یک ملت یا دولت برابر تهاجمات این گروه افراطی قرار ندارد. حتی اگر بپذیریم داعش ماری بود که در آستین عربستان زاده و پرورانه شد، اما سادهانگاری است اگر تصور کنیم سعودی‌ها در شرایط کنونی ترسی از این گروه در دل ندارند. نگاه واقع‌بینانه به ماجرای داعش از ابتدا تاکنون نشان‌دهنده این امر مسلم است که امروز داعش مبدل به یک دشمن خطرناک برای عربستان نیز شده؛ پس اگر پیدایش و حمایت‌های مالی آغازین عربستان سعودی از تمامی گروه‌های تکفیری امر پذیرفته‌شده‌ای باشد، در کنارش باید به جنبه تهدیدآمیزبودن داعش برای این سرزمین پهناور که داعیه برچمداری اسلام دارد را نیز در نظر گرفت.

فردای منطقه: آرامش یا داعش؟

با عنایت به همه این نکات اگر در سال پیش‌رو منطقه را محکوم به پذیرفتن قدرت‌ویرانگری همچون داعش بدانیم، باید در انتظار ایام خشونت‌بارتری نسبت به سال گذشته باشیم. اما با وجود همه لوازم موجود که به ادامه حیات داعش کمک می‌کند، می‌توان نگاه امیدوارانه‌ای هم به موضوع داشت و این فرضیه را در نظر گرفت که امنیت اتحاد رویکردهایی در جهت تضعیف این گروه نیز وجود دارد. یکی از تأثیرگذارترین این رویکردها همکاری همه قدرت‌های منطقه در روبروایی با خشونت داعشی است. همان‌طور که عنوان شد، بیشترین شکافی که داعش از آن استفاده می‌کند، شکاف‌های میان اقوام و مذاهب کشورهای همسایه است. به عبارتی چندپارگی که میان کردها، سنی‌ها و شیعیان وجود دارد، مسیر را برای ادامه حیات آنها فراهم می‌کند. از طرفی جلوگیری از افزایش درآمد حاصل از فروش نفت و اتخاذ تصمیمات سختگیرانه برای خریداران نفت از داعش، می‌تواند این گروه را با بحران‌های اقتصادی روبه‌رو کند. به‌طورکلی درنظرگرفتن منافع امنیتی هریک از دولت‌ها، به‌جای پارکشی‌های سیاسی، می‌تواند رویکرد تنش‌زدای نوینی را جایگزین رویکرد تنش‌زای تروریستی داعش کند.

نباید فراموش کرد چالش‌های میان دولت‌های اروپایی که در سده‌های پیشین روابط آنها را دچار بحران می‌کرد، شباهت‌هایی به چالش‌های امروز بازیگران خاورمیانه دارد. اما همه آن جنجال‌های فرهنگی، تاریخی و تعصبات ژئوپلیتیکی پس از تحمل آسیب‌های فراوان، به‌تدریج جای خود را به تفاهات سیاسی– اقتصادی داد. شاید حافظه‌های تاریخی توان فراموشی مطلق آنچه که میان دولت‌ها رخ داده را نداشته باشد، اما راهی از افراط‌گرایی و رسیدن به آرامشی پایدار در پناه صلح منطقه‌ای، قطعا می‌تواند انگیزه قدرت‌مندی برای ایجاد یک اعتماد نسبی و بیرون‌راندن گروه‌های رادیکالیستی همچون داعش، به گوشه‌هایی پر از عزت و انزوا باشد.



خاورمیانه و آینده مبهمی که پیش‌رو دارد

صعود به قله صلح یا سقوط به دره جنگ

آموزه‌های خود را به محیط بین‌المللی القا می‌کند. این نظریات هریک در خود مجموعه‌ای از بایذونباید‌ها را دارد. اما برای تفسیر پدیده‌هایی همچون داعش می‌توان از گفتمان‌هایی که ارتباط مستقیم‌تری با آن دارند، سخن به میان آورد. به‌گفته گروهی که اصطلاحا به واقع‌گرایان (Realism) معروفند، واقعیت روابط میان دولت‌ها براساس ایجاد قدرت، حفظ قدرت و افزایش آن بنا شده است. در راستای رسیدن به این هدف، یکی از کارآمدترین سازوکارها جنگیدن است، یعنی از نگاه واقع‌گرایان، منازعه و خشونت میان دولت‌ها امری «طبیعی» به حساب می‌آید که برای رساندن بازیگران بین‌المللی به اهدافشان که همان کسب قدرت است، اجتناب‌ناپذیر است. واقع‌گرایان در راستای نظریاتشان جامعه جهانی را برخلاف آرمانگرایان (Idealism)، سرشار از صلح و دور از جنگ نمی‌دانند و سیاست‌های اجرایی خود را بر مبنای «قدرت‌محوری» پایه‌ریزی می‌کنند. دیدگاه واقع‌گرایان به‌سادگی تبیین‌کننده دلایل وقوع جنگ‌های جهانی یا سادهانگاری منازعات میان دولت‌هاست چراکه برهم‌خوردن موازنه قدرت در یک محیط (اعم از منطقه‌ای یا بین‌المللی) بی‌تردید موجب پیدایش خشونت و تنش می‌شود. به‌گفته واقع‌گرایان واقعیت جامعه بین‌المللی براساس موازنه قدرت بنا شده و این گفتمان واقع‌گرایی است که بر فضای بین‌المللی حاکمیت می‌کند و نه آرمانگرایی یا دیگر گفتمان‌ها. چون واقع‌گرایانه‌ترین نظرات را بیان می‌دارد. شاید بعضی از تحلیلگران مخالف این نظر باشند، اما کنشاش در احوالات جنجال‌های نظامی و غیرنظامی جامعه جهانی در تاریخ تا حدود زیادی تاییدکننده آرای واقع‌گرایان و تسلط آن بر ساختار جهانی است. اما جدال میان صاحب‌نظران به همین جا ختم نمی‌شود. در میان نظریات کلان، در سال‌های اخیر گفتمان دیگری نیز برای مسیریابی بازیگران جهانی به میان آمد که بازگوکننده ارزش‌ها، هویت‌سازی‌ها و معنادهی به رفتارها بود. این نظریه که به ساختار جامعه بین‌المللی اهمیت زیادی می‌دهد، بیانگر این آموزه است که تولید معانی مشترک میان یک‌قوم، یک‌گروه یا جمعیت موجب ایجاد هویت مشترک و مطلوبی می‌شود که برای طرفداران پذیرفته‌شده است. به زبان ساده‌تر در این نظریه تأکید بسیار زیادی بر نقش هویت‌ها و ارزش‌ها می‌شود. هر رهبر گروه یا دولت یا کشوری (به‌عنوان بازیگری که ایفاکننده نقش

جلوگیری از افزایش درآمد حاصل از فروش نفت و اتخاذ تصمیمات سختگیرانه برای خریداران نفت از داعش می‌تواند این گروه را با بحران‌های اقتصادی روبه‌رو کند. به‌طورکلی درنظرگرفتن منافع امنیتی هریک از دولت‌ها، به‌جای پارکشی‌های سیاسی، می‌تواند رویکرد تنش‌زدای نوینی را جایگزین رویکرد تنش‌زای تروریستی داعش کند

است) می‌توانند به هویت‌ها معنای دوباره‌ای دهند معنایی که با ارزش‌های دلخواه همخوانی داشته باشد. یک هنجار جدید تولید کند و سازگار با محیطی باشد که در آن شکل گرفته است. از نظر این عده که (سازه‌انکاران خوانده می‌شوند) هیچ واقعیتی از پیش‌تعیین‌نشده و معنای هر واقعیت یا هنجار یا زاده و پرورانه نیست که بازیگر یا دولت یا نظام سیاسی به آن می‌دهد.

جنبش گفتمانی از آغاز شکل‌گیری تا به امروز بسیار مورد تأیید نظام‌های ایدئولوژیک، فرهنگ‌گرا و ارزش‌محور قرار گرفت. چون براساس آن، هیچ نظامی نمی‌توانست بر دیگری خرده‌ای بگیرد یا اتهامی وارد کند. برای مثال براساس این گفتمان هر رفتاری که در حوزه سیاست داخلی یا خارجی کشوری دیده می‌شود، باید براساس فرهنگ درونی آن جامعه و باورهای آن قضاوت شود. نه براساس اسطه قواعد جهانی و دولتی که توان درک آن نظام هنجاری را ندارد، امکان تغییر رفتاری یا اعتراض به آن را نیز ندارد. البته در جامعه جهانی گفتمان‌های دیگری نیز یافت می‌شود. اما با توجه به کلان‌ترین آنها که نظریات مذکور بود، می‌توان پدیده‌ای مانند داعش را بررسی کرد. از طرفی داعش در محیطی که گفتمان واقع‌گرایی حاکم است، متولد شد و رشد کرد. در چنین فضایی بی‌تردید شکلی که به‌دنبال قدرت است در برابر بازیگرانی قرار می‌گیرد که معتقدند برای حفظ قدرت و امنیت خود دست‌زدن به خشونت امر معیبدی نیست و حتی می‌تواند یک راهکار به حساب آید. بنابراین گروه جدید که سابقه‌های خشونت‌بار نیز از مادر خود یعنی القاعده به ارث برده، برای ادامه حیات ناچار به انتخاب همین رفتار است. از سوی دیگر بازیگران بین‌المللی به این طریق موجودیت خود را حفظ کرده‌اند؛ پس این رهیافت می‌تواند الگوی مناسب باشد، یعنی گروهی که زمینه تروریستی دارد، دریافت‌ه برای زنده‌ماندن و کسب قدرت در برابر کسانی که آنها هم به دنبال افزایش قدرتند، باید «منازعه» را انتخاب کرد و از این طریق به سمت اهداف پیش رفت.

داعش و بازتولید یک هویت ارزشی جدید

از سوی دیگر ماهیت هویتی گروه داعش یک ماهیت کاملاً ایدئولوژیک است. استفاده ابزارِای که این جمعیت افراطی از نظام هنجاری دین می‌کند، دقیقاً براساس گفتمان فرهنگ‌گرایی است که از آن سخن به میان آمد. در این گفتمان، «ایدئولوژی» از مصداق‌ها، ارزش‌ها و هنجارهای یک محیط به حساب می‌آید. اکثر گروه‌های تروریستی چندین‌ساله اخیر جامعه جهانی، از اقلیت‌های مذهبی یا قومی یا زبانی خاص هستند و برای مشروعیت‌بخشی به آموزه‌های خود از ایدئولوژی خاصی پیروی می‌کنند و قصد القای آن به پیروان و جذب هواداران از این طریق دارند. از سوی دیگر کسانی هم که جذب چنین گروه‌هایی می‌شوند، از نگاه گفتمان فرهنگ‌گرایی قابل بررسی هستند.
بهران داعش در دایره‌دار ضدیت با شیعه و بخشی از سنی‌ها و بقیه ادیان هستند؛ از دیدن نقشه جغرافیایی‌ای که بر آن حکومت خواهد کرد، خواهان

سمیرا فرخ‌منش - امواج خطر افریقین افراطی‌ترین گروه تروریستی جهانی، در سالی که گذشت نشان داد داعش برای «همه» خطرناک است. آمریکا و عربستان و عراق و سوریه و ترکیه هریک سهم قابل‌توجهی از این خطرآفرینی داشتند که در لایه‌ای توفان برآمده از هجوم خشمگین و خون‌آلود این گروه تندرو شکل می‌گرفت و روزبه‌روز بر شدت آن افزوده می‌شد. داعش، ناگهانی شکل نگرفت، اما به یگانه جامعه بین‌المللی را دچار شوک رفتارهای خشونت‌بار خود کرد و بر قدرت افسارگسیخته‌اش افزود. سال گذشته میلادی را به‌راحتی می‌توان سال اوج‌گیری داعشی‌ها دانست؛ سالی پر از کشتن‌ها و سربریدن‌ها و حملات و سالی لبریز از موفقیت‌های رادیکالیستی برای این گروه تا جایی که عنوان خود را از «دولت اسلامی عراق و شام» به «دولت اسلامی» تغییر داد. اقدامی که می‌تواند نشانگر افزایش توقعات ژئوپلیتستی آنها و تمایل بر حکومتی گسترده‌تر باشد. اعلام خلافت سرکرده گروه، تدوین نقشه راه و تعیین مرزهای زیر سلطه، تعیین اسانامه‌ها و برنامه‌های مطلوب. اعلام جهانی این پیام که همگان باید زیر چتر انتظارات «دولت اسلامی» قرار گیرند، همگی نشان‌دهنده رضایت حاصل از پیشروی‌های رادیکالیزه برای این گروه تا جایی که عنوان خود را از «دولت اسلامی عراق و شام» به «دولت اسلامی» تغییر داد. اقدامی که می‌تواند نشانگر افزایش توقعات ژئوپلیتستی آنها و تمایل بر حکومتی گسترده‌تر باشد. اعلام خلافت سرکرده گروه، تدوین نقشه راه و تعیین مرزهای زیر سلطه، تعیین اسانامه‌ها و برنامه‌های مطلوب. اعلام جهانی این پیام که همگان باید زیر چتر انتظارات «دولت اسلامی» قرار گیرند، همگی نشان‌دهنده رضایت حاصل از پیشروی‌های رادیکالیزه برای این گروه تا جایی که عنوان خود را از «دولت اسلامی عراق و شام» به «دولت اسلامی» تغییر داد. اقدامی که می‌تواند نشانگر افزایش توقعات ژئوپلیتستی آنها و تمایل بر حکومتی گسترده‌تر باشد. اعلام خلافت سرکرده گروه، تدوین نقشه راه و تعیین مرزهای زیر سلطه، تعیین اسانامه‌ها و برنامه‌های مطلوب. اعلام جهانی این پیام که همگان باید زیر چتر انتظارات «دولت اسلامی» قرار گیرند، همگی نشان‌دهنده رضایت حاصل از پیشروی‌های رادیکالیزه برای این گروه تا جایی که عنوان خود را از «دولت اسلامی عراق و شام» به «دولت اسلامی» تغییر داد. اقدامی که می‌تواند نشانگر افزایش توقعات ژئوپلیتستی آنها و تمایل بر حکومتی گسترده‌تر باشد. اعلام خلافت سرکرده گروه، تدوین نقشه راه و تعیین مرزهای زیر سلطه، تعیین اسانامه‌ها و برنامه‌های مطلوب. اعلام جهانی این پیام که همگان باید زیر چتر انتظارات «دولت اسلامی» قرار گیرند، همگی نشان‌دهنده رضایت حاصل از پیشروی‌های رادیکالیزه برای این گروه تا جایی که عنوان خود را از «دولت اسلامی عراق و شام» به «دولت اسلامی» تغییر داد. اقدامی که می‌تواند نشانگر افزایش توقعات ژئوپلیتستی آنها و تمایل بر حکومتی گسترده‌تر باشد. اعلام خلافت سرکرده گروه، تدوین نقشه راه و تعیین مرزهای زیر سلطه، تعیین اسانامه‌ها و برنامه‌های مطلوب. اعلام جهانی این پیام که همگان باید زیر چتر انتظارات «دولت اسلامی» قرار گیرند، همگی نشان‌دهنده رضایت حاصل از پیشروی‌های رادیکالیزه برای این گروه تا جایی که عنوان خود را از «دولت اسلامی عراق و شام» به «دولت اسلامی» تغییر داد. اقدامی که می‌تواند نشانگر افزایش توقعات ژئوپلیتستی آنها و تمایل بر حکومتی گسترده‌تر باشد. اعلام خلافت سرکرده گروه، تدوین نقشه راه و تعیین مرزهای زیر سلطه، تعیین اسانامه‌ها و برنامه‌های مطلوب. اعلام جهانی این پیام که همگان باید زیر چتر انتظارات «دولت اسلامی» قرار گیرند، همگی نشان‌دهنده رضایت حاصل از پیشروی‌های رادیکالیزه برای این گروه تا جایی که عنوان خود را از «دولت اسلامی عراق و شام» به «دولت اسلامی» تغییر داد. اقدامی که می‌تواند نشانگر افزایش توقعات ژئوپلیتستی آنها و تمایل بر حکومتی گسترده‌تر باشد. اعلام خلافت سرکرده گروه، تدوین نقشه راه و تعیین مرزهای زیر سلطه، تعیین اسانامه‌ها و برنامه‌های مطلوب. اعلام جهانی این پیام که همگان باید زیر چتر انتظارات «دولت اسلامی» قرار گیرند، همگی نشان‌دهنده رضایت حاصل از پیشروی‌های رادیکالیزه برای این گروه تا جایی که عنوان خود را از «دولت اسلامی عراق و شام» به «دولت اسلامی» تغییر داد. اقدامی که می‌تواند نشانگر افزایش توقعات ژئوپلیتستی آنها و تمایل بر حکومتی گسترده‌تر باشد. اعلام خلافت سرکرده گروه، تدوین نقشه راه و تعیین مرزهای زیر سلطه، تعیین اسانامه‌ها و برنامه‌های مطلوب. اعلام جهانی این پیام که همگان باید زیر چتر انتظارات «دولت اسلامی» قرار گیرند، همگی نشان‌دهنده رضایت حاصل از پیشروی‌های رادیکالیزه برای این گروه تا جایی که عنوان خود را از «دولت اسلامی عراق و شام» به «دولت اسلامی» تغییر داد. اقدامی که می‌تواند نشانگر افزایش توقعات ژئوپلیتستی آنها و تمایل بر حکومتی گسترده‌تر باشد. اعلام خلافت سرکرده گروه، تدوین نقشه راه و تعیین مرزهای زیر سلطه، تعیین اسانامه‌ها و برنامه‌های مطلوب. اعلام جهانی این پیام که همگان باید زیر چتر انتظارات «دولت اسلامی» قرار گیرند، همگی نشان‌دهنده رضایت حاصل از پیشروی‌های رادیکالیزه برای این گروه تا جایی که عنوان خود را از «دولت اسلامی عراق و شام» به «دولت اسلامی» تغییر داد. اقدامی که می‌تواند نشانگر افزایش توقعات ژئوپلیتستی آنها و تمایل بر حکومتی گسترده‌تر باشد. اعلام خلافت سرکرده گروه، تدوین نقشه راه و تعیین مرزهای زیر سلطه، تعیین اسانامه‌ها و برنامه‌های مطلوب. اعلام جهانی این پیام که همگان باید زیر چتر انتظارات «دولت اسلامی» قرار گیرند، همگی نشان‌دهنده رضایت حاصل از پیشروی‌های رادیکالیزه برای این گروه تا جایی که عنوان خود را از «دولت اسلامی عراق و شام» به «دولت اسلامی» تغییر داد. اقدامی که می‌تواند نشانگر افزایش توقعات ژئوپلیتستی آنها و تمایل بر حکومتی گسترده‌تر باشد. اعلام خلافت سرکرده گروه، تدوین نقشه راه و تعیین مرزهای زیر سلطه، تعیین اسانامه‌ها و برنامه‌های مطلوب. اعلام جهانی این پیام که همگان باید زیر چتر انتظارات «دولت اسلامی» قرار گیرند، همگی نشان‌دهنده رضایت حاصل از پیشروی‌های رادیکالیزه برای این گروه تا جایی که عنوان خود را از «دولت اسلامی عراق و شام» به «دولت اسلامی» تغییر داد. اقدامی که می‌تواند نشانگر افزایش توقعات ژئوپلیتستی آنها و تمایل بر حکومتی گسترده‌تر باشد. اعلام خلافت سرکرده گروه، تدوین نقشه راه و تعیین مرزهای زیر سلطه، تعیین اسانامه‌ها و برنامه‌های مطلوب. اعلام جهانی این پیام که همگان باید زیر چتر انتظارات «دولت اسلامی» قرار گیرند، همگی نشان‌دهنده رضایت حاصل از پیشروی‌های رادیکالیزه برای این گروه تا جایی که عنوان خود را از «دولت اسلامی عراق و شام» به «دولت اسلامی» تغییر داد. اقدامی که می‌تواند نشانگر افزایش توقعات ژئوپلیتستی آنها و تمایل بر حکومتی گسترده‌تر باشد. اعلام خلافت سرکرده گروه، تدوین نقشه راه و تعیین مرزهای زیر سلطه، تعیین اسانامه‌ها و برنامه‌های مطلوب. اعلام جهانی این پیام که همگان باید زیر چتر انتظارات «دولت اسلامی» قرار گیرند، همگی نشان‌دهنده رضایت حاصل از پیشروی‌های رادیکالیزه برای این گروه تا جایی که عنوان خود را از «دولت اسلامی عراق و شام» به «دولت اسلامی» تغییر داد. اقدامی که می‌تواند نشانگر افزایش توقعات ژئوپلیتستی آنها و تمایل بر حکومتی گسترده‌تر باشد. اعلام خلافت سرکرده گروه، تدوین نقشه راه و تعیین مرزهای زیر سلطه، تعیین اسانامه‌ها و برنامه‌های مطلوب. اعلام جهانی این پیام که همگان باید زیر چتر انتظارات «دولت اسلامی» قرار گیرند، همگی نشان‌دهنده رضایت حاصل از پیشروی‌های رادیکالیزه برای این گروه تا جایی که عنوان خود را از «دولت اسلامی عراق و شام» به «دولت اسلامی» تغییر داد. اقدامی که می‌تواند نشانگر افزایش توقعات ژئوپلیتستی آنها و تمایل بر حکومتی گسترده‌تر باشد. اعلام خلافت سرکرده گروه، تدوین نقشه راه و تعیین مرزهای زیر سلطه، تعیین اسانامه‌ها و برنامه‌های مطلوب. اعلام جهانی این پیام که همگان باید زیر چتر انتظارات «دولت اسلامی» قرار گیرند، همگی نشان‌دهنده رضایت حاصل از پیشروی‌های رادیکالیزه برای این گروه تا جایی که عنوان خود را از «دولت اسلامی عراق و شام» به «دولت اسلامی» تغییر داد. اقدامی که می‌تواند نشانگر افزایش توقعات ژئوپلیتستی آنها و تمایل بر حکومتی گسترده‌تر باشد. اعلام خلافت سرکرده گروه، تدوین نقشه راه و تعیین مرزهای زیر سلطه، تعیین اسانامه‌ها و برنامه‌های مطلوب. اعلام جهانی این پیام که همگان باید زیر چتر انتظارات «دولت اسلامی» قرار گیرند، همگی نشان‌دهنده رضایت حاصل از پیشروی‌های رادیکالیزه برای این گروه تا جایی که عنوان خود را از «دولت اسلامی عراق و شام» به «دولت اسلامی» تغییر داد. اقدامی که می‌تواند نشانگر افزایش توقعات ژئوپلیتستی آنها و تمایل بر حکومتی گسترده‌تر باشد. اعلام خلافت سرکرده گروه، تدوین نقشه راه و تعیین مرزهای زیر سلطه، تعیین اسانامه‌ها و برنامه‌های مطلوب. اعلام جهانی این پیام که همگان باید زیر چتر انتظارات «دولت اسلامی» قرار گیرند، همگی نشان‌دهنده رضایت حاصل از پیشروی‌های رادیکالیزه برای این گروه تا جایی که عنوان خود را از «دولت اسلامی عراق و شام» به «دولت اسلامی» تغییر داد. اقدامی که می‌تواند نشانگر افزایش توقعات ژئوپلیتستی آنها و تمایل بر حکومتی گسترده‌تر باشد. اعلام خلافت سرکرده گروه، تدوین نقشه راه و تعیین مرزهای زیر سلطه، تعیین اسانامه‌ها و برنامه‌های مطلوب. اعلام جهانی این پیام که همگان باید زیر چتر انتظارات «دولت اسلامی» قرار گیرند، همگی نشان‌دهنده رضایت حاصل از پیشروی‌های رادیکالیزه برای این گروه تا جایی که عنوان خود را از «دولت اسلامی عراق و شام» به «دولت اسلامی» تغییر داد. اقدامی که می‌تواند نشانگر افزایش توقعات ژئوپلیتستی آنها و تمایل بر حکومتی گسترده‌تر باشد. اعلام خلافت سرکرده گروه، تدوین نقشه راه و تعیین مرزهای زیر سلطه، تعیین اسانامه‌ها و برنامه‌های مطلوب. اعلام جهانی این پیام که همگان باید زیر چتر انتظارات «دولت اسلامی» قرار گیرند، همگی نشان‌دهنده رضایت حاصل از پیشروی‌های رادیکالیزه برای این گروه تا جایی که عنوان خود را از «دولت اسلامی عراق و شام» به «دولت اسلامی» تغییر داد. اقدامی که می‌تواند نشانگر افزایش توقعات ژئوپلیتستی آنها و تمایل بر حکومتی گسترده‌تر باشد. اعلام خلافت سرکرده گروه، تدوین نقشه راه و تعیین مرزهای زیر سلطه، تعیین اسانامه‌ها و برنامه‌های مطلوب. اعلام جهانی این پیام که همگان باید زیر چتر انتظارات «دولت اسلامی» قرار گیرند، همگی نشان‌دهنده رضایت حاصل از پیشروی‌های رادیکالیزه برای این گروه تا جایی که عنوان خود را از «دولت اسلامی عراق و شام» به «دولت اسلامی» تغییر داد. اقدامی که می‌تواند نشانگر افزایش توقعات ژئوپلیتستی آنها و تمایل بر حکومتی گسترده‌تر باشد. اعلام خلافت سرکرده گروه، تدوین نقشه راه و تعیین مرزهای زیر سلطه، تعیین اسانامه‌ها و برنامه‌های مطلوب. اعلام جهانی این پیام که همگان باید زیر چتر انتظارات «دولت اسلامی» قرار گیرند، همگی نشان‌دهنده رضایت حاصل از پیشروی‌های رادیکالیزه برای این گروه تا جایی که عنوان خود را از «دولت اسلامی عراق و شام» به «دولت اسلامی» تغییر داد. اقدامی که می‌تواند نشانگر افزایش توقعات ژئوپلیتستی آنها و تمایل بر حکومتی گسترده‌تر باشد. اعلام خلافت سرکرده گروه، تدوین نقشه راه و تعیین مرزهای زیر سلطه، تعیین اسانامه‌ها و برنامه‌های مطلوب. اعلام جهانی این پیام که همگان باید زیر چتر انتظارات «دولت اسلامی» قرار گیرند، همگی نشان‌دهنده رضایت حاصل از پیشروی‌های رادیکالیزه برای این گروه تا جایی که عنوان خود را از «دولت اسلامی عراق و شام» به «دولت اسلامی» تغییر داد. اقدامی که می‌تواند نشانگر افزایش توقعات ژئوپلیتستی آنها و تمایل بر حکومتی گسترده‌تر باشد. اعلام خلافت سرکرده گروه، تدوین نقشه راه و تعیین مرزهای زیر سلطه، تعیین اسانامه‌ها و برنامه‌های مطلوب. اعلام جهانی این پیام که همگان باید زیر چتر انتظارات «دولت اسلامی» قرار گیرند، همگی نشان‌دهنده رضایت حاصل از پیشروی‌های رادیکالیزه برای این گروه تا جایی که عنوان خود را از «دولت اسلامی عراق و شام» به «دولت اسلامی» تغییر داد. اقدامی که می‌تواند نشانگر افزایش توقعات ژئوپلیتستی آنها و تمایل بر حکومتی گسترده‌تر باشد. اعلام خلافت سرکرده گروه، تدوین نقشه راه و تعیین مرزهای زیر سلطه، تعیین اسانامه‌ها و برنامه‌های مطلوب. اعلام جهانی این پیام که همگان باید زیر چتر انتظارات «دولت اسلامی» قرار گیرند، همگی نشان‌دهنده رضایت حاصل از پیشروی‌های رادیکالیزه برای این گروه تا جایی که عنوان خود را از «دولت اسلامی عراق و شام» به «دولت اسلامی» تغییر داد. اقدامی که می‌تواند نشانگر افزایش توقعات ژئوپلیتستی آنها و تمایل بر حکومتی گسترده‌تر باشد. اعلام خلافت سرکرده گروه، تدوین نقشه راه و تعیین مرزهای زیر سلطه، تعیین اسانامه‌ها و برنامه‌های مطلوب. اعلام جهانی این پیام که همگان باید زیر چتر انتظارات «دولت اسلامی» قرار گیرند، همگی نشان‌دهنده رضایت حاصل از پیشروی‌های رادیکالیزه برای این گروه تا جایی که عنوان خود را از «دولت اسلامی عراق و شام» به «دولت اسلامی» تغییر داد. اقدامی که می‌تواند نشانگر افزایش توقعات ژئوپلیتستی آنها و تمایل بر حکومتی گسترده‌تر باشد. اعلام خلافت سرکرده گروه، تدوین نقشه راه و تعیین مرزهای زیر سلطه، تعیین اسانامه‌ها و برنامه‌های مطلوب. اعلام جهانی این پیام که همگان باید زیر چتر انتظارات «دولت اسلامی» قرار گیرند، همگی نشان‌دهنده رضایت حاصل از پیشروی‌های رادیکالیزه برای این گروه تا جایی که عنوان خود را از «دولت اسلامی عراق و شام» به «دولت اسلامی» تغییر داد. اقدامی که می‌تواند نشانگر افزایش توقعات ژئوپلیتستی آنها و تمایل بر حکومتی گسترده‌تر باشد. اعلام خلافت سرکرده گروه، تدوین نقشه راه و تعیین مرزهای زیر سلطه، تعیین اسانامه‌ها و برنامه‌های مطلوب. اعلام جهانی این پیام که همگان باید زیر چتر انتظارات «دولت اسلامی» قرار گیرند، همگی نشان‌دهنده رضایت حاصل از پیشروی‌های رادیکالیزه برای این گروه تا جایی که عنوان خود را از «دولت اسلامی عراق و شام» به «دولت اسلامی» تغییر داد. اقدامی که می‌تواند نشانگر افزایش توقعات ژئوپلیتستی آنها و تمایل بر حکومتی گسترده‌تر باشد. اعلام خلافت سرکرده گروه، تدوین نقشه راه و تعیین مرزهای زیر سلطه، تعیین اسانامه‌ها و برنامه‌های مطلوب. اعلام جهانی این پیام که همگان باید زیر چتر انتظارات «دولت اسلامی» قرار گیرند، همگی نشان‌دهنده رضایت حاصل از پیشروی‌های رادیکالیزه برای این گروه تا جایی که عنوان خود را از «دولت اسلامی عراق و شام» به «دولت اسلامی» تغییر داد. اقدامی که می‌تواند نشانگر افزایش توقعات ژئوپلیتستی آنها و تمایل بر حکومتی گسترده‌تر باشد. اعلام خلافت سرکرده گروه، تدوین نقشه راه و تعیین مرزهای زیر سلطه، تعیین اسانامه‌ها و برنامه‌های مطلوب. اعلام جهانی این پیام که همگان باید زیر چتر انتظارات «دولت اسلامی» قرار گیرند، همگی نشان‌دهنده رضایت حاصل از پیشروی‌های رادیکالیزه برای این گروه تا جایی که عنوان خود را از «دولت اسلامی عراق و شام» به «دولت اسلامی» تغییر داد. اقدامی که می‌تواند نشانگر افزایش توقعات ژئوپلیتستی آنها و تمایل بر حکومتی گسترده‌تر باشد. اعلام خلافت سرکرده گروه، تدوین نقشه راه و تعیین مرزهای زیر سلطه، تعیین اسانامه‌ها و برنامه‌های مطلوب. اعلام جهانی این پیام که همگان باید زیر چتر انتظارات «دولت اسلامی» قرار گیرند، همگی نشان‌دهنده رضایت حاصل از پیشروی‌های رادیکالیزه برای این گروه تا جایی که عنوان خود را از «دولت اسلامی عراق و شام» به «دولت اسلامی» تغییر داد. اقدامی که می‌تواند نشانگر افزایش توقعات ژئوپلیتستی آنها و تمایل بر حکومتی گسترده‌تر باشد. اعلام خلافت سرکرده گروه، تدوین نقشه راه و تعیین مرزهای زیر سلطه، تعیین اسانامه‌ها و برنامه‌های مطلوب. اعلام جهانی این پیام که همگان باید زیر چتر انتظارات «دولت اسلامی» قرار گیرند، همگی نشان‌دهنده رضایت حاصل از پیشروی‌های رادیکالیزه برای این گروه تا جایی که عنوان خود را از «دولت اسلامی عراق و شام» به «دولت اسلامی» تغییر داد. اقدامی که می‌تواند نشانگر افزایش توقعات ژئوپلیتستی آنها و تمایل بر حکومتی گسترده‌تر باشد. اعلام خلافت سرکرده گروه، تدوین نقشه راه و تعیین مرزهای زیر سلطه، تعیین اسانامه‌ها